



فصل اول
کلیات تحقیق

نظام آموزش و پرورش هر جامعه نقش غیر قابل انکاری بر توسعه و پیشرفت آن جامعه دارد. دانش آموزان که مهمترین سرمایه های چنین نظامی هستند سالهای زیادی از عمر خود را در مدارس سپری می کنند در این مدت که بطور رسمی از اولین سال دبستان تا پایان دوره متوسطه ادامه می یابد، نظام آموزشی می تواند با برنامه ریزی صحیح و اصولی راه را برای رشد همه جانبه او فراهم کند. تفکر انتقادی باید از دوران کودکی یعنی زمانی که کودک در محیط خانواده رشد می کند آغاز و در مدرسه با جدیت ادامه یابد. در عصر اطلاعات افراد در هر لحظه با اطلاعات فراوان و تازه ای روبرو می شوند، در چنین موقعیتی انتقال صرف اطلاعات و انباشتن ذهن از اطلاعات مرتبط و نامرتب با زندگی واقعی باعث هدر رفتن هزینه ها، امکانات و قابلیت های افراد شده از رشد و پویایی فرد و جامعه جلوگیری می کند. همچنین شرایط جوامع امروزی حکم می کند که افراد در معرض بسیاری از اندیشه های متفاوت و متضاد قرار گیرند، بر این اساس آنان باید بتوانند اندیشه های درست و نادرست را از یکدیگر تشخیص داده به نحو صحیح قضاوت کنند تا زندگی سالم و موفقی داشته باشند. بنابراین پرورش تفکر از جمله تفکر انتقادی می تواند منجر به افزایش توانایی افراد در بهره گیری از اطلاعات، ارزشیابی صحیح و نیز رویارویی با موقعیتهای مختلف زندگی گردد.

«اندیشیدن در آموزه های دینی اسلام نیز از جایگاه والایی برخوردار می باشد. در حدیث نبوی (ص) آمده است که «یک ساعت اندیشه بهتر از هفتاد سال عبادت می باشد» (شریعتمداری، ۱۳۵۳، ص ۹).

در زمینه تفکر انتقادی در قرآن آمده است «بشارت باد بندگانی که سخنان را گوش می دهند و از بهترین آن پیروی می کنند» (سوره زمر، آیه ۱۸). ویا در جای دیگر بیان شده است «ای پیامبر مردم را از روی دلیل

وموعظه نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با بحث و جدل احسن با آنها گفتگو کن» (سوره نحل، آیه ۱۲۴).

باقری در مقاله خود تحت عنوان تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم معتقد است:

یکی از عناصر تربیت دینی، ارزیابی، گزینش و طرد است. این ویژگی، در واقع خود پشتمانه ای برای تقوای حضور در شرایط عصر حاضر است. لازمه حضور غیر انفعالی ارزیابی اطلاعات و رویدادهای اجتماعی است. این ویژگی، به خصوص از مولفه نقادی تربیت سرچشمه می‌گیرد. اما ارزیابی و نقادی، مستلزم بازشناسی جنبه‌های مثبت و منفی پدیده‌های این دوران است. طرد یکباره و تمام عیار هر آنچه متعلق به این دوران است نه تنها ممکن نیست، بلکه مطلوب هم نیست؛ زیرا این گونه طرد تمام عیار در دامن خود، پذیرش تمام عیار را می‌پروراند. اگر تربیت دینی، بنا را بر طرد تمام عیار مظاهر عصر حاضر بگذارد، وجهه ای غیر منصفانه و دور از واقع از خود خواهد ساخت و همین امر، زمینه را فراهم می‌سازد تا افراد تحت تربیت به شورش واداشته شوند که نتیجه آن مقبول‌عصیت‌آلود، انتقام‌جویانه و تمام عیار است. به علاوه نقادی همراه با گزینش و طرد، همواره در مواجهه دین با شرایط انحطاط‌آمیز اجتماعی مطرح بوده است. احکام امضایی که پیامبر اکرم در مکه پدید آورد. حاصل مواجهه نقادانه ای از این دست بوده است (www.hawzah.net).

براین اساس، تربیت دینی همواره باید پدیده‌های نوظهور این عصر را مورد ارزیابی و نقادی منصفانه قرار دهد و افراد را برای گزینش و طرد آماده سازد. آموختن این نوع مواجهه با پدیده‌ها مهم‌ترین زمینه‌تأمین حضور سالم در متن شرایط است. به طور مثال، شبکه جهانی رایانه ای (اینترنت) یکی از نوظهورترین پدیده‌های این عصر است، تربیت دینی باید در دانش آموزان، ذهنیتی روشن و منتقدانه نسبت به آن فراهم

آورد که در آن جنبه های مثبت و منفی این پدیده مشخص گردد و زمینه استفاده مناسب از آن فراهم آید. آفت زا بودن عصر ارتباطات، در عین حال یک مشکل جهانی است و چنین نیست که تنها مشکل ما باشد. یکی از نکاتی که در نقادی نسبت به اینترنت مطرح شده، بمباران اطلاعاتی است که این رسانه فراهم می آورد و به این ترتیب خود می تواند به مانع رشد فکری انسان تبدیل شود. اینترنت و یا هر وسیله دیگر و حتی معلمان اگر کانون بمباران اطلاعاتی شوند. به لحاظ تربیتی آسیب زایند و مانع نقادی و تأمل که مهم ترین فرایند ذهنی و شناختی است، محسوب می شوند (همان).

بنابراین با توجه به ضروریات جامعه امروز و نیز تأکید آموزه های دینی، یکی از مهمترین هدفها می تواند تعیین عوامل موثر بر تفکر انتقادی باشد از آنجا که یک قشر مهم از تحصیل کردگان دانش آموزان دوره دبیرستان می باشند و این قشر بیشتر در معرض آسیب و خطر قرار دارند می بایست مورد توجه قرار گیرند چرا که با اتمام دوره دبیرستان و ورود به دوره تحصیلات بالاتر در واقع از مرحله جمع آوری داده ها وارد مرحله کشف و یافتن داده ها می شوند و اگر با دیدی بازتر رشته تحصیلی خود را انتخاب کنند می توانند موفق شوند. بر این اساس پژوهش حاضر در صدد است میزان تفکر انتقادی را در دانش آموزان دوره دبیرستان بسنجد و رابطه آن را با عوامل دیگر بررسی نماید.

۲-۱ بیان مساله

بررسی ادبیات پژوهشی در زمینه تفکر انتقادی نشان می دهد که در مورد تفکر انتقادی توافق کمی وجود دارد. دیویی^۱ (۱۹۳۳) از یک دیدگاه فلسفی تفکر انتقادی را شامل کاوشگری، تمیز و آزمون افکار و بررسی

^۱ -Dewey

گزینه های مختلف در مورد یک مساله می دانست. پول^۲ (۱۹۹۲) تفکر انتقادی را در دو معنای محدود و وسیع مطرح می کند در معنای محدود تفکر انتقادی یک مجموعه مهارتهای فنی است که صرفاً برای انتقاد از دیدگاههای مخالف استفاده می شود. در معنای وسیع بررسی گرایشات و تمایلات خود محورانه و جامعه گرایانه که در قلب عقاید و بصورت پنهان قرار دارند و شامل گرایشات و ویژگیهای منشی و شخصیتی است. یکی از مهمترین و شناخته شده ترین تعاریف از تفکر انتقادی تعریف انیس^۳ (۱۹۹۱) است که او تفکر انتقادی را نوعی تفکر منطقی و مستدل می داند که در تصمیم گیری، قبول باورها، ویا انجام امور دخالت دارد و شامل اعمالی مانند فرضیه سازی، روشهای مختلف نگریستن به مسائل و مشکلات و راه حلهای احتمالی و طرح نقشه های مختلف برای بررسی امور است. وی تفکر انتقادی را شامل دو مولفه مهارتها و گرایش یا آمادگی ها می داند. مهارتها شامل تحلیل استدلال ها، قضاوت در زمینه اعتبار منابع، شناسائی مساله اساسی و پاسخ دادن وخواستن توضیح می باشد. آمادگی ها نیز شامل آماده بودن برای حفظ تمرکز بر روی نتیجه یا سوال، آمادگی برای جستجو و ارائه دلیل، اراده و خواست برای جستجوی گزینه های مختلف و تعلیق قضاوت در مواقع فقدان دلایل و شواهد کافیست.

انجمن فلسفه آمریکا یک تعریف جامع برای تفکر انتقادی به شرح زیر ارائه کرده است که شامل مولفه های عاطفی و شناختی است: "تفکر انتقادی قضاوت هدفمند و خود نظم دهنده ای است که به تعبیر، تحلیل، ارزیابی و استنباط و همچنین تبیین ملاحظات موقعیتی، روش شناختی، ملاکی و مفهومی مبتنی است. متفکر انتقادی ایده ال کسی است که بصورت دائمی کنجکاو، آگاه، دقیق در قضاوت، ارزیابی کننده عینی و بدون

^۲ -Pual

^۳ -Ennis

سوگیری، تمایل به بررسی مجدد، روشن بینی مسائل و مشکلات جدی در یافتن اطلاعات مرتبط و منطقی در انتخاب معیارهاست (بینینگ^۴، ۲۰۰۶، ص ۹۹).

با توجه به اهمیت تعاریفی که ذکر شد و اینکه آیا دانش آموزان یا دانشجویان از این تفکر مهم برخوردار هستند یا نه؟ لازم است به بررسی نتایج تحقیقاتی چند در این زمینه پرداخت و مسائل و مشکلات را مطرح کرد.

تحقیقات انجام شده در سطح جهان و کشور ایران بیانگر آنست که فراگیران در کسب مهارت تفکر انتقادی در سطح مدارس و دانشگاهها با مشکلات و کاستی هایی مواجه هستند برای مثال سیلور (به نقل از مارزانو وهمکاران^۵، ترجمه احقر، ۱۳۸۰) در بررسی نتایج امتحانات سراسری ارزیابی ملی پیشرفت آموزش و پرورش به روشنی آشکار ساخته است که فراگیران تکالیف یادگیری خود را به صورت ماشینی و بدون تفکر انجام می دهند از دیدگاه نوریس^۶ (۱۹۸۳)، توانایی تفکر انتقادی در میان دانش آموزان گسترده نیست و در آزمونهای توانائی تشخیص پیش فرض ها، ارزشیابی مباحث و استدلالها و استنباط را دانش آموزان نمره خوبی کسب نمی کنند.

⁴ -Banning

⁵ -Marzano et al

⁶ -Norris

« پژوهش‌های انجام یافته در ایران نیز حاکی از آنست که توانائی فراگیران در سطوح بالای یادگیری به ویژه مهارت‌های عملکردی و فرآیندی در مقایسه با فراگیران کشورهای دیگر بسیار کمتر است » (احمدی ، ۱۳۸۰ ، ص ۵).

« برای مثال دانشجویان گروه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در مواجهه با سوالات غلط و متون اشتباهی به هیچ وجه از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده نکرده و در مواجهه با جزوات درسی تنها ۶/۸ درصد از آنها صرفاً به برخی اشتباهات توجه کرده اند » (بهمنی و همکاران ، ۱۳۸۴ ، ص ۴۵).

این مقوله با همه اهمیتی که در میان کشورهای پیشرفته دارد در کشور ما به جایگاه واقعی خود دست نیافته است. برای نهادینه شدن تفکر انتقادی عوامل متعددی دخیل هستند که مهمترین آنها عبارتند از خانواده و مدرسه. در واقع این دو می توانند با بستر سازی مناسب برای یکدیگر افراد موفق‌تری تحویل اجتماع دهند. در کشور ما خانواده های ما آنگونه که شایسته است کودکان خود را به سمت مطالعه هدایت نمی کنند. مدارس ما هنوز به شیوه سنتی عمل می کنند و صرفاً از دانش آموزان تکالیف درسی ارائه شده را طلب می نمایند. دانش آموزان ما علت اصلی راه یابی خود به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی را نمی دانند. و همین باعث می شود تا آنها از هدف اصلی خود که همانا کمک به رشد همه جانبه کشور است بازمانند. چنین به نظر می رسد تفکر حاکم بر نظام آموزش و پرورش کشور ما تفکری نیست که پویایی لازم را به همراه داشته باشد. این تفکر باید به گونه ای تحول یابد تا بتواند به رسالت واقعی که همان انسان‌هایی متعهد و ارزشمند است، دست یابد.

بنیان آموزشی در کشور ما بیشتر معلم محوری بوده و فراگیران حافظان طوطی وار اطلاعات بحساب می آیند. بیشتر دانش آموزان و دانشجویان ما در حین تحصیل، به دنبال گرفتن مدرک بوده اند و نه تجهیز خود به مهارت‌های فکری. اصولاً چنین آموزش‌هایی به دانش آموزان و دانشجویان ما کمتر داده می شود و معمولاً از آنها می خواهند یا وادار می شوند جزوه بردارند، یا جزوه رد و بدل کنند، کتاب بخزند، مطالبی را حفظ کنند و... در صورتی که در فرآیند یادگیری تفکر انتقادی به دانش آموزان آموزش می دهند که مطلب را بخوانند، آن را درک کنند و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. این عدم توجه به تفکر انتقادی هم از سوی مربیان و هم فراگیران باعث گردیده تا قدرت زایایی علوم مختلف تحلیل رفته و ذهن های فعال بعد از گذشت زمانی اندک، بعلت نبود راهنما به مخازن اطلاعات تبدیل شوند.

براین اساس پژوهش حاضر در نظر دارد که به بررسی عوامل موثر بر تفکر انتقادی در نزد دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه منطقه ۶ شهر تهران بپردازد.

۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

با تحول مبانی نظری و ماهیت علم، رویکردهای جدیدی در تعیین اهداف تربیتی و فرایند آموزش مطرح شده است. یکی از بارزترین رویکردها توجه به تفکر در فرآیند تدریس- یادگیری است. فیلسوفانی مانند انیس، لیپمن و پاول^۷ (۱۹۸۹ به نقل از شعبانی، ۱۳۸۲، ص ۴۲) معتقدند که «هدف اصلی تعلیم و تربیت باید پروراندن تفکر و استدلال عقلانی و خردگرایی باشد و محصول نهایی تعلیم و تربیت می بایست ذهنی کاوشگر باشد».

⁷ _Ennis & Lipman & Powell

گودلد^۸ (۱۹۸۴ به نقل از یار محمدیان، ۱۳۷۷، ص ۷۲)، «در تحلیلی از هدف های آموزشی دریافت که تفکر انتقادی یکی از اهداف مورد قبول اکثر دولتها و نظامهای آموزشی است و دلیل آن ضرورت وجود تفکر انتقادی برای شهروندان یک جامعه دموکراتیک است».

نظر دینا کهن^۹ (۲۰۰۹)، در این باره بر این است که شواهد نشان می دهند که مهارت های سطح بالای تفکر برای رسیدن به رشد طبیعی در دوره های آموزشی سنتی در نظر گرفته نشده اند. لذا لزوم آموزش مهارت های تفکر برای دانش آموزان و دانشجویان وجود دارد.

امروزه بسیاری از سهامداران آموزش عالی شامل کارفرمایان، اعتباردهندگان مالی و قانون گذاران با این امر موافقت می کنند که یک بخش ضروری فارغ التحصیلی باکیفیت از دوره چهار ساله دانشگاه، پیشی گرفتن در تفکر انتقادی است. هنوز این نگرانی کلی وجود دارد که فارغ التحصیلان از داشتن مهارت های بی بهره اند و کارفرماها، اعتباردهندگان و قانون گذاران، تمرکز جدی بر ارزیابی و بهبود قابلیت های تفکر انتقادی در بین دیگران را ضروری داشته اند (هاو^{۱۰}، ۲۰۰۹، ص ۱).

یک بخش مهم سهامداران، یعنی کارفرمایان، مهارت های تفکر انتقادی را بعنوان مهارت هایی تعریف می کنند که در بین مجموعه مهارت های بی که از فارغ التحصیلان انتظار می رود برتری و اولویت دارد (همان).

⁸ -Goodlad

⁹ - Deanna Kuhn

¹⁰ -Howe

امروزه به دلیل پیشرفتهای مختلف و سریع در علوم، مقدار اطلاعات در دسترس از طریق کامپیوتر و وسایل ارتباطی از توانایی افراد در استفاده از اطلاعات پیشی گرفته است در چنین زمینه ای دیگر لازم نیست محافل آموزشی به منزله مخزن دانش و استادان به مثابه سخنران و انتقال دهنده اطلاعات خدمت کنند همچنین بسیار مهم است که شاگردان مهارت خود را در تفکر و استدلال افزایش دهند (مایرز، ترجمه ایلی، ۱۳۸۳).

آیزنر در سال ۱۹۸۳ در مقاله ای تحت عنوان "نوع مدرسی که نیاز داریم" مشکلات مدارس امروز را یاد آور می شود و می گوید "مدارس امروز تنها روی مهارت خواندن، نوشتن و حساب کردن تاکید می ورزند، در حالیکه این مهارتها ذاتاً دارای ارزش نیستند و از نظر تعلیم و تربیت تهی از فضیلتند." مساله این نیست که یکی می تواند بخواند بلکه مساله این است که او چه و چگونه می خواند؟ ارزش مدارس در ترغیب انسان فرهیخته نهفته است متأسفانه به این مساله در مدارس کمتر توجه می شود. و دانش آموزان هنوز از تجربه مربوط به حیات ذهنی محرومند او برای اصلاح و بهبود چنین وضعیتی خصیصه هایی همچون تعادل در برنامه، استقلال فکری، صورت بندی مسائل، پرورش حواس، عشق به درس، تعالی در تدریس، و پرورش تفکر انتقادی را توصیه می کنند. به اعتقاد آیزنر تنها هدف تعلیم و تربیت باید تقویت مباحثه و مناظره در کلاس باشد. معلمان باید بیشترین فرصت را برای تحقق چنین اهدافی در اختیار دانش آموزان قرار دهند مدارس باید توانایی تفکر انتقادی دانش آموزان را در آنچه می بینند، می شنوند و می خوانند پرورش دهند مدارس باید آنچنان اندیشه و تفکر دانش آموزان را تقویت کنند که بتوانند عقاید را از حقایق، سفسطه را از استدلال منطقی، شایستگی را از عدم شایستگی به ویژه در فرهنگهایی که از هر سو تحت بمباران اطلاعات مختلف قرار دارند، تشخیص دهند. مدارس به دانش آموزان پیاموند که چگونه فکر کنند و چگونه یاد بگیرند عبارت دیگر دانش آموزان باید یاد بگیرند که معمار تعلیم و تربیت خود باشند (شعبانی، ۱۳۷۹).

به اعتقاد محقق تفکر انتقادی، هدف مرکزی نظام تعلیم و تربیت است. چراکه تربیت شهروندانی متفکر و حل‌کننده مسئله منوط به آموزش تفکر و مهارت‌های آن به افراد جامعه است: که بیاموزند چگونه فکر کنند، به چه ارزش‌هایی احترام بگذارند، چطور دیدگاه‌ها و عقاید را منتقدانه بررسی نمایند و چه سؤال‌هایی را مطرح نموده و در مورد چه موضوع‌هایی تعمق نمایند.

بنابراین آموزش و پرورش در هر کشور می‌بایست به پرورش تفکر انتقادی توجه کافی داشته و دانش‌آموزان متفکر انتقادی را تربیت کند تا موجبات رشد و توسعه جوامع فراهم گردد.

۴- اهداف پژوهش

- ۱- مقایسه تفکر انتقادی در نزد دانش‌آموزان دختر و پسر.
- ۲- مقایسه تفکر انتقادی دانش‌آموزان بر حسب سنین.
- ۳- مقایسه تفکر انتقادی دانش‌آموزان بر حسب رشته تحصیلی.
- ۴- مقایسه تفکر انتقادی دانش‌آموزان بر حسب میزان سابقه تدریس دبیران.
- ۵- مقایسه تفکر انتقادی دانش‌آموزان بر حسب نوع مدرسه (غیرانتفاعی و دولتی).
- ۶- مقایسه تفکر انتقادی دانش‌آموزان بر حسب میزان تحصیلات پدر.
- ۷- مقایسه تفکر انتقادی دانش‌آموزان بر حسب میزان تحصیلات مادر.
- ۸- مقایسه تفکر انتقادی دانش‌آموزان بر حسب میزان درآمد.

۵- اسوالمهای پژوهش

۱- آیا تفکر انتقادی در نزد دانش آموزان دختر و پسر برابر است؟

۲- آیا بین میزان تفکر انتقادی دانش آموزان بر حسب سن تفاوت وجود دارد؟

۳- آیا تفکر انتقادی دانش آموزان رشته های علوم ریاضی بالاتر از دانش آموزان رشته های علوم انسانی است؟

۴- آیا تفکر انتقادی دانش آموزان رشته های علوم تجربی بالاتر از دانش آموزان رشته های علوم انسانی است؟

۵- آیا تفکر انتقادی دانش آموزانی که دارای دبیران با سابقه کار بیشتر هستند بیشتر از دانش آموزانی است که دارای دبیران با سابقه کار کمتر هستند؟

۶- آیا تفکر انتقادی دانش آموزانی که در مدارس غیرانتفاعی تحصیل می کنند بیشتر از دانش آموزانی است که در مدارس دولتی تحصیل می کنند؟

۷- آیا تفکر انتقادی دانش آموزانی که والدین آنها دارای تحصیلات بالاتر هستند بیشتر از دانش آموزانی است که والدین آنها دارای تحصیلات پایین تر هستند؟

۸- آیا تفکر انتقادی دانش آموزانی که از درآمد اقتصادی بالاتری برخوردار هستند بیشتر از دانش آموزانی است که از درآمد اقتصادی پایین تری برخوردار هستند؟

۶-۱ فرضیه های پژوهش

۱- تفکر انتقادی در نزد دانش آموزان دختر و پسر برابر است.

۲- بین میزان تفکر انتقادی دانش آموزان بر حسب سن تفاوت وجود دارد .

۳- دانش آموزان رشته های علوم ریاضی در مقایسه با دانش آموزان رشته های علوم انسانی از تفکر انتقادی بالاتری برخوردارند.

۴- دانش آموزان رشته های علوم تجربی در مقایسه با دانش آموزان رشته های علوم انسانی از تفکر انتقادی بالاتری برخوردارند.

۵- دانش آموزان دارای دبیران با سابقه کار بیشتر در مقایسه با دانش آموزان دارای دبیران با سابقه کار کمتر از تفکر انتقادی بالاتری برخوردار هستند.

۶- دانش آموزانی که در مدارس غیر انتفاعی تحصیل می کنند در مقایسه با دانش آموزانی که در مدارس دولتی تحصیل می کنند از تفکر انتقادی بالاتری برخوردارند.

۷- دانش آموزانی که والدین آنها دارای تحصیلات بالاتر هستند در مقایسه با دانش آموزان دارای والدین با تحصیلات پایین تر ، از تفکر انتقادی بالاتری برخوردارند.

۸- دانش آموزانی که از در آمد اقتصادی بالاتری برخوردار هستند در مقایسه با دانش آموزان دارای در آمد اقتصادی پایین تر ، از تفکر انتقادی بالاتری برخوردارند.

۷-۱ تعریف متغیر های تحقیق

۷-۱-۱ تعریف مفهومی تفکر انتقادی

۱- تفکر مستدل و تیز بینانه درباره اینکه چه چیزی را باور کنیم و چه اعمالی را انجام دهیم و یا ارزیابی تصمیمات از راه واری منطقی و منظم مسایل ، شواهد و راه حلها(همان).

۲- انجمن فلسفه آمریکا یک تعریف جامع برای تفکر انتقادی ارائه کرده است که شامل مولفه های عاطفی و شناختی است :

تفکر انتقادی قضاوت هدفمند و خود نظم دهنده ای است که به تعبیر، تحلیل، ارزیابی و استنباط و همچنین تبیین ملاحظات موقعیتی، روش شناختی، ملاکی و مفهومی مبتنی است. متفکر انتقادی ایده آل کسی است که بصورت دائمی کنجکاو، آگاه و دقیق در قضاوت، ارزیابی کننده عینی و بدون سوگیری، تمایل به بررسی مجدد، روشن بینی مسایل و مشکلات، جدی بودن در اخذ اطلاعات مرتبط، منطقی در انتخاب معیارهاست (بینینگ^{۱۱}، ۲۰۰۶، ص ۹۹).

۷-۲-۱ تعریف عملیاتی تفکر انتقادی

توانایی استنباط، استدلال، استنتاج، تعبیر و تفسیر دانش آموزان دختر و پسر دبیرستان شهر تهران است که از طریق آزمون خود ساخته خانم مریم کردی اندازه گیری شده است.

¹¹ - Banning

فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تغییرات و تحولات گسترده فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی عصر حاضر مشکلات جدید و به تبع آن انتظارات تازه ای برای مدارس و نظامهای آموزشی بوجود آورده است. رشد سریع فن آوری در ابعاد مختلف، انفجار دانش، توسعه علم ارتباطات و پیدایش انواع وسایل دقیق پردازش اطلاعات ساخت اقتصادی جوامع را از متکی بودن بر منابع اولیه خارج ساخته است. در نتیجه تربیت نیروی انسانی متخصص و دسترسی به اطلاعات و کاربرد وسیع یافته های علمی را جایگزین آن کرده است. بروز مشکلات اجتماعی جدید در پهنه گیتی همچون حفاظت محیط زیست، کنترل جمعیت، حفظ صلح بین المللی و نظایر آن همگی حکایت از آن دارند که باید در رسالت و نقش تعلیم و تربیت تجدید نظر اساسی صورت گیرد تا بتواند بشر را برای روبرو شدن و برخورد با این تحولات و مسایل آماده سازد. مدارس امروز، متأسفانه، به دلیل پیشرفتهای علوم و فنون و بر اساس بعضی از رویکرد های روانشناختی توجه خود را بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق معطوف کرده و از تربیت انسانهای متفکر و خلاق فاصله گرفته اند (شعبانی، ۱۳۸۲).

اما خوشبختانه در سالهای اخیر روانشناسی تربیتی و دیگر صاحب نظران از تاکید زیاد مدارس بر انتقال دانش و اطلاعات به دانش آموزان انتقاد کرده و معلمان را بیش تر به پرورش مهارتهای اندیشیدن و تفکر در یادگیرندگان سفارش کرده اند (سیف، ۱۳۷۹).

وظیفه پرورش تفکر در دانش آموزان را نظام آموزش و پرورش هر جامعه ای بر عهده دارد و مسئولیت آن این است که دانش آموزان را آماده نماید تا خود فکر کنند و با توجه به جوانب مسئله، بهترین پاسخ را بدست آورده و رفتار خود را با نتایج تفکر خویش انطباق دهند (عباسی، ۱۳۸۰).

لذا لزوم آموزش مهارت های تفکر برای تحقق این امر مستلزم بررسی موانع تفکر و بخصوص تفکر انتقادی می باشد که از طریق شناسایی موانع و محدودیت های موجود در سر راه رشد تفکر انتقادی در دوره های سنی مختلف، امکان پرورش این نوع تفکر فراهم خواهد شد. این حقیقت که دوره نوجوانی و دبیرستان که مرحله رشد تفکر انتزاعی و جایگزینی استدلال فرضی- قیاسی بجای استدلال عینی - عملیاتی می باشد، این ضرورت را پیش می آورد که توجه به موانع تفکر انتقادی در دوره دبیرستان افزایش یابد. در این فصل ابتدا مفهوم تفکر و ابعاد آن مورد توجه واقع شده و سپس تفکر انتقادی از جنبه های مختلف مورد بحث قرار گرفته است و در قسمت پیشینه تحقیق به بررسی تحقیقات داخل و خارج از کشور پرداخته شده است.

۲-۲ مفهوم تفکر

مورگان، کینگ و ویس^{۱۲} (۱۹۸۷)، تفکر را بازآرایی یا تغییر شناختی اطلاعات به دست آمده از محیط و نمادهای ذخیره شده در حافظه دراز مدت می دانند. این تعریف کلی انواع مختلف تفکر را دربر می گیرد. بعضی از انواع تفکر جنبه بسیار خصوصی دارند و نمادهایی را بکار می گیرند که دارای معانی کاملاً شخصی هستند. این نوع تفکر را تفکر خودگرا می نامند. انواع دیگر تفکر حل کردن مسائل و خلق چیزهای تازه است که این نوع تفکر را تفکر هدایت شده^{۱۳} (جهتدار) می گویند (سیف، ۱۳۸۰، ص ۵۵۰).

« تفکر به دو نوع مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می شود تفکر غیر مستقیم دربرگیرنده تفکری ناخودآگاه و بدون تأمل و مرتبط با کارهای روزمره و معمولی انسان است. در حالیکه تفکر مستقیم فعالیتی هدفدار، جهت دار و

¹² -Morgan, King & Weisz,

¹³ -Directed thinking

عمومی است که شامل مهارت های مشاهده، به خاطر سپردن، جستجو کردن، تعبیر و تفسیر کردن، تجزیه و تحلیل و ارزیابی می باشد» (نیکولز^{۱۴}، ۲۰۰۳، ص ۳).

کالدون (۱۹۹۹)، فرآیند پیچیده تفکر آدمی و مراحل آنرا به سه دسته تقسیم نموده است که عبارت است از مرحله اول تفکر پایه ای یا مضمونی که در این مرحله انسان به پذیرش دانش و آگاهی از دیگران می پردازد در مرحله دوم از فرآیند پیچیده تفکر، تفکر انتقادی شکل می گیرد که در این مرحله فرد قادر به سازمان دهی دانش و اطلاعات خواهد بود و آخرین مرحله انسان به تفکر خلاق یا آفریننده می رسد یعنی قادر به تولید دانش خواهد بود (به نقل از پیشه گر، ۱۳۸۲، ص ۵).

دیویی جریان تفکر را شامل مراحل می داند که دو مرحله ابتدایی و انتهایی و پنج مرحله میانی دارد که جمعاً هفت مرحله می باشد. مرحله اول یا ابتدایی مرحله شک یا ابهام است که انسان با موقعیتی پیچیده روبرو شده و در صدد یافتن پاسخ برای مسئله می باشد. مرحله انتهایی زمانی است که فرد از شک و ابهام در آمده و به نتیجه و جواب دست یافته است. پنج مرحله میانی نیز که فرد باید برای رسیدن به مرحله آخر طی نماید، پیش تعقل، فرضیه سازی، استدلال، نتیجه گیری و کاربرد نام دارد (حسینی، ۱۳۷۸).

۲-۳ ویژگیهای تفکر

تفکر یا عمل اندیشیدن دارای عناصر و خصایصی می باشد:

۱- هدف یا انگیزه در اندیشیدن فرد

¹⁴ -Nichols

۲- تنظیم و ترتیب فعالیت‌های ذهنی و محدود ساختن آنها در راه مخصوص

۳- بررسی و تحلیل دقیق آرا و عقاید موجود درباره مسئله پیش آمده و مقایسه آنها با یکدیگر

۴- ترجیح با انتخاب بهترین آن عقاید برای رسیدن به هدفی خاص

۵- دقت و توجه به روابط موجود میان وسیله و هدف

۶- ابتکار و کشف راه حل درست و مناسب

۷- انتقاد و راه حل پیدا شده برای بدست آوردن اطمینان خاطر بیشتر

۸- به کار بستن آن برای تعیین درجه صحت و اعتبار آن (شعاری نژاد، ۱۳۶۲، صص ۳۶۶-۳۶۵).

فلاسفه اسلامی به پیروی از ارسطو فکر را عبارت از حرکتی می دانند که ذهن را از مقصود یا مطلوب به سوی مبادی یا معلومات به طرف مطلوب انجام می دهد چنانچه در شرح منظومه ملاحادی سبزواری تعریف فکر چنین بیان شده است :

وَمِنْ مَبَادِي إِلَى الْمُرَادِي (شریعتمداری، ۱۳۶۲، ص ۳۷۹).

الفِكرُ حَرَكَهٌ إِلَى الْمَبَادِي

۴-۱۲ ابعاد تفکر

درباره ابعاد تفکر یا جنبه های مختلف تفکر مباحث زیادی از سوی صاحب نظران مطرح شده است که هر کدام در طبقه بندی های خود بر جنبه خاصی تأکید دارند بر این اساس افراد مختلف ابعاد تفکر را به گونه های متفاوت طبقه بندی کرده اند (هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰، ص ۶۵).

مارزانو وهمکاران (ترجمه احقر، ۱۳۸۰) برای تحلیل شیوه های گوناگون آموزش اندیشیدن، تفکر را به ۵

بعد تقسیم کرده اند:

۱-۴-۲ فراشناخت

اعمال ذهنی به دو قسمت اعمال شناختی و اعمال فراشناختی تقسیم می گردد اعمال شناختی که شامل فعالیت های ذهنی برای معنا سازی یا جستجوی معناست و سطوح وسیعی از مهارتهای فرد (مانند یادسپاری و یادآوری، ترجمه، تفسیر، بسط معنا و پردازش اطلاعات) و مهارتها و راهبردهای پیچیده (مانند تجزیه و تحلیل، استدلال، تفکر انتقادی، تصمیم گیری، حل مسئله و مفهوم آفرینی) را در بردارد. اعمال فراشناختی اعمالی است که معانی تولید شده مهارتها و راهبردهای شناختی را تنظیم و کنترل می کند در فرایند تفکر مهمترین اعمال فراشناختی برنامه ریزی، نظارت و ارزشیابی می باشد (بیر^{۱۵} به نقل از شعبانی، ۱۳۸۲، صص ۶۱-۵۹).

فراشناخت بر آگاهی و کنترل خود اشاره می کند. بعبارت دیگر فراشناخت «شناخت درباره شناخت» یا «دانستن درباره دانش» است. میان دانش فراشناختی و فعالیت فراشناختی می توان تمایز قائل شد. در این رابطه دانش فراشناختی در بردارنده تحریک و به خاطر آوری افکار جاری و اخیر فرد است. این فرایند هم دانش واقعیتهای مانند دانش مربوط به تکلیف، اهداف فرد یا خود فرد را در بر می گیرد و هم به دانش راهبردی یعنی چگونه و چه موقع از روشهای خاص برای حل مسائل استفاده شود، اشاره دارد. فعالیت فراشناختی هنگامی روی می دهد که دانش آموزان ضمن حل مسائل و تفکر هدفمند، آگاهانه راهبردهای تفکر خویش را انطباق

¹⁵ -Beyer